

جایگاه زن در حقوق

فاطمه السادات مؤذن

مقدمه

شخصیت زن و حقوق وی، از مسائلی است که در طول تاریخ همواره مظلوم واقع شده است. هرچند در جهان کنونی درباره آن بسیار سخن گفته و کتاب نوشته شده. اما واقعیت آن است که این مظلومیت در جهان متمدن کنونی هنوز وجود دارد.

در اعصار گذشته، همواره زن را موجودی پست می شمردند و او را عضوی ناقص که طفیلی و سربرار جامعه

است معرفی می کردند و تفاوت های او را با مرد، مایه نقصان او می دانستند. اما بر عکس در قرن اخیر در هر محفلی سخن از زن، شخصیت و حقوق اوست. مخصوصاً در جوامع غربی که مبارزه برای آزادی زن بیداد می کند. جالب این جاست که هرچند این دو دوره از لحاظ تقدم و تأخر زمانی با هم اختلاف و فاصله دارند، اما شیوه برخورد با زن هیچگاه عوض نشده است؛ به دیگر سخن اگرچه شعارها و شخصیت ظاهری به زن دادن نسبت به گذشته جلوه ای زیباتر به خود گرفته اما نفس الامر با گذشته هیچ تفاوتی نکرده است.

در گذشته، به زن سرکوفت ناقص بودن می زدند و او را مجبور می کردند برای کم جلوه کردن نقص خویش، همیشه خود را محتاج مرد و زیر سایه او بدانند و سعی کند تا می تواند کاری کند که مردها از او راضی باشند و در نتیجه، همواره در کنج خانه بماند و از کمال علمی و معنوی محروم بشود و بدین روی، خود نیز باور کرده بود که عضو ناقص اجتماع است و خود را مستحق شخصیت و حقوق نمی دانست.

در هر حال، هر دو دوره در پایمال کردن شخصیت و حقوق زن مشترک بوده اند و چه بسا ضربه دوره دوم بسیار مخرب تر بوده است. جوامع غربی، شخصیت و ارزش زن را در استفاده ابزاری از وی می داند.

ملاک پذیرش یک زن در غرب، این است که خود را بیش تر در معرض دیگران قرار بدهد. متأسفانه در پیش از انقلاب، تب مبارزه برای آزادی زن به ایران هم سرایت کرده بود.





هم‌چنین قرآن خلقت انسان را به هفت مرحله تقسیم می‌کند.^(۲) تفسیر نمونه در توضیح آیه ۶۷ سوره مؤمن می‌نویسد: «... به این ترتیب نخستین مرحله، مرحله تراب و خاک است. مرحله دوم، مرحله نطفه که مربوط به همه انسان‌هاست جز آدم و حوا. مرحله سوم، مرحله‌ای است که نطفه تکامل یافته و رشد قابل ملاحظه‌ای نموده و به صورت یک لخته خون بسته در آمده است. پس از این مرحله «مضغه» (چیزی شبیه به گوشت جویده) و مرحله ظهور اعضا، مرحله حس و حرکت است که در این جا چهارمین مرحله را مرحله تولد جنین ذکر می‌کنند و مرحله پنجم را مرحله تکامل قدرت و قوت جنسی که (بعضی آن را سن سی سالگی می‌دانند) قرآن از آن تعبیر به «بلوغ اشد» کرده است. از آن به بعد، مرحله عقب‌گرد و از دست دادن نیروها آغاز می‌شود و تدریجاً دوران پیری که مرحله ششم است فرا می‌رسد. سرانجام پایان عمر، که آخرین مرحله است فرا می‌رسد و انتقال از این سرا به سرای جاویدان تحقق می‌یابد»^(۳)

خلقت زن در آینه ادیان و اندیشه‌ها

به راستی خلقت زن چگونه است؟ آیا او هم خلقتی همانند مرد دارد؟ آیا تفاوتی از لحاظ ترکیب ماده و جسم بین زن و مرد وجود دارد؟ یا به تعبیر بعضی‌ها که مرد را موجودی برتر می‌دانند، آیا از آفرینش برتر نیز نسبت به زن برخوردار است و «زن خلقتی ناقص دارد»؟ برای پاسخ به سؤالات فوق ابتدا به بررسی نظریات مختلف در این باره پرداخته و

حکومت پهلوی سعی داشت به هر شکلی که شده چادر را از سر زنان بردارد و بالاجبار آن‌ها را در جایگاه رفیع خود بنشانند و با انجام مراسم‌های گوناگون از قبیل انتخاب دختر شایسته و... ایران را به ماکتی از غرب تبدیل کرده بودند. و به قول امام عزیزمان علیه السلام «در دوره اختناق می‌خواستند زنان جنگجوی ما را ننگجو بار آورند.»

به این ترتیب، آن‌ها زن را حتی بالاتر از مرد حساب می‌کردند و این بار برعکس دوره قبل، تفاوت‌های زن و مرد را نقص برای مرد دانستند!

ولی واقعیت این است که زن در هیچ کدام از این دو دوره، شخصیت واقعی خود را نیافته و در هر دو دوره از رشد و کمال علمی و معنوی خود باز مانده است.

در این جاست که پای اسلام ناب به عنوان حامی واقعی زن به میان می‌آید. آنچه اسلام در مورد زن می‌گوید، کاملاً با آنچه در جهان امروز بدان عمل می‌شود تفاوت دارد؛ اسلام زن را همانند مرد، انسانی بزرگ با شخصیتی مستقل می‌داند که تا اوج ملکوت می‌تواند پرواز کند. اسلام با قرار دادن محور تقوا برای سنجش انسان‌ها، ملاک برتری افراد را نسبت به دیگران، صرفاً داشتن تقوای بیش‌تر می‌داند.

خلقت انسان

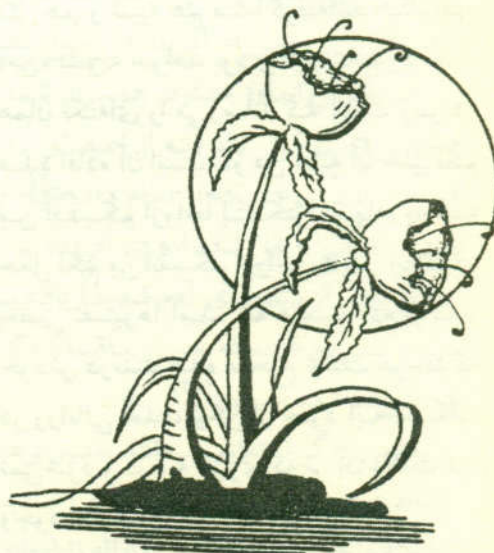
در اندیشه قرآن انسان از خاک آفریده شده و بازگشت همه به خاک و مبعوث شدن همه نیز از خاک می‌باشد: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى»^(۱)



سپس نظر اسلام را مطرح می‌کنیم.

قدیمی‌ترین نظریه در این زمینه، نظریه افلاطون است که می‌گوید: «انسان در اول دو جزء نبود بلکه در اثر ارتکاب گناه، مورد غضب خداوند قرار گرفت و به دو جزء نر و ماده تقسیم گردید». (۴) «ایرانیان باستان نیز اعتقاد داشتند، کیومرث اولین انسان بود که وارد زمین گردید و سی سال در کوهستان‌ها زندگی نمود و در موقع مرگ نطفه‌ای از پشتش چکید و در اثر تابش آفتاب خشکید تا چهل سال دیگر در روز مهرگان (۱۶ مهر) که جشن باستانی است به صورت دو ساقه ریواس از زمین رویید، آنگاه به شکل انسان یکی به نام «میشانه» جنس ماده و دیگری «میشه» جنس نر در آمدند». (۵)

«کاتولیک‌ها، معتقدند که روح مرد با روح زن فرق دارد و تنها مریم در میان زنان دارای روح معادل با مردان است و روح بقیه زنان حالت بین انسان و حیوان دارد». (۶)



یهودیان معتقدند: «حوا از آخرین دنده چپ آدم آفریده شده است» (۷) و نیز در تورات (تحریف شده) آمده است: «خدا گفت: درست نیست آدم تنها بماند لذا حوا را آفرید...» (۸)

«بهاگواد گیتا - که دارای آیین هندو می‌باشد - عقیده کلی را این‌گونه تشریح می‌کند: این فقط روح گنهکار است که به صورت زن متولد می‌شود». (۹)

«در کتاب لجبکی - کتاب مذهبی ژاپن باستان - در قسمت خلقت انسان نوشته شده است: آماتراسو - اله آفتاب - که خدای خدایان است مرد و زن را یکسان آفرید ولی زن نتوانست از این تساوی بهره گیرد، لذا مرد برتر گردید». (۱۰)

نظر اسلام در خلقت زن

اگر بخواهیم دقیقاً نظر اسلام را مورد بررسی قرار بدهیم، باید ببینیم نظر قرآن درباره خلقت زن و مرد چیست. قرآن کریم در آیات متعددی این موضوع را مطرح کرده است؛ از جمله آیه ۲۱ سوره روم، ۲۷ نحل، ۱۱ شوری، ۴۹ ذاریات، و آیه ۱ سوره نساء. از باب نمونه و رعایت اختصار، به تفسیر توضیح آیه اول سوره نساء پرداخته و نظریات مختلف مفسران و دانشمندان را در این مورد، بررسی می‌نماییم:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...؛ تعدادی از مفسران و دانشمندان اهل تسنن اعتقاد دارند که زن از دنده چپ مرد آفریده شده است. از جمله طبری پس از این‌که در تفسیر خود





«خلقکم من نفس واحدة»: «فرعکم من اصل واحد و هو نفس آدم ابیکم»^(۱۵) و منظور از «خلق منها زوجها»: «خلق حواء من ضلع من اضلاعها»^(۱۶) است.

در تفسیر «شبر» (نوشته علامه سید عبدالله شبر) هر دو نظریه محتمل دانسته شده است: «خلق منها من فضل طینتها او من ضلعها»^(۱۷) هرچند نظریه دوم مقدم دانسته شده است.

علامه طباطبائی رحمته الله در مورد این آیه در تفسیر «المیزان» درباره کلمه «زوج» می فرماید: «بنا به گفته راجب، به معنای همسر است یعنی این کلمه در مورد هر دو قرین که یکی نر و دیگری ماده باشد، استعمال می شود هم به نر «زوج» گفته می شود و هم به ماده...»^(۱۸) سپس در مورد خلقت حوا می فرماید: «ظاهر جمله مورد بحث می خواهد بیان کند که همسر آدم از نوع خود آدم بود و انسانی بود مثل خود او. و این همه افراد بی شمار از انسان که در سطح کره زمین منتشر شده اند همه از دو فرد انسانی مثل هم و شبیه هم منشأ گرفته اند. بنابراین «من» ثنوتیه خواهد بود و عبارت مورد بحث همان نکته ای را می رساند که آیات زیر در صدد افاده آن است: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها»، «و الله جعل لکم من انفسکم ازواجاً...» پس این که در بعضی تفسیرها آمده که همسر آدم از بدن خودش درست شده صحیح نیست هرچند که در روایاتی آمده، لیکن از خود آیه استفاده نمی شود و در آیه چیزی که بر آن دلالت کند وجود ندارد.»^(۱۹)

تفسیر نمونه نیز در مورد خلت زن اظهار

نظرات مختلف محدثین را در این مورد می آورد، به بررسی آنها می پردازد. هرچند که در آخر نظر خود را بیان نمی دارد، اما آنچه از شواهد به دست می آید این است که او هم این نظریه را بیش تر قبول دارد و حتی در تاریخ خود (تاریخ طبری) این گونه می آورد: «... خدا آدم را در بهشت قرار داد که در آن تنها همی رفت و همسری نداشت که بدو آرام گیرد لحظه ای بخفت و چون بیدار شد زنی را بالای سر خود دید که خدای از دنده او خلق کرده بود... به گفته اهل تورات و دیگر مطلعان، خوابی برای او [آدم] انداخت. آن گاه یک دنده او را از طرف چپ بگرفت و جای آن را از گوشت پرکرد و آدم هم چنان در خواب بود تا خدا از دنده وی حوا را بیافرید...»^(۱۱)

تفسیر «قرآن العظیم»، تألیف ابن کثیر قرشی دمشقی نیز در مورد «زوجها» این گونه توضیح می دهد: «و هی حواء خلقت من ضلع [آدم] الأیسر»^(۱۲)

مفسران دیگری هم وجود دارند که در مورد خلقت زن، همین اعتقاد را دارند^(۱۳)، ولی به نظر می رسد آنچه ذکر شد کافی بوده و رساننده مقصود باشد.

مفسران و علمای شیعه نیز همانند علمای اهل تسنن در مسأله خلقت زن، نظرات مختلفی دارند: علامه طبرسی رحمته الله در تفسیر مجمع البیان نظر مفسران مبنی بر آفریده شدن حوا از ضلعی از اضلاع آدم را مطرح کرده است: «ذهب اکثر المفسرین انها خلقت من ضلع من اضلاع آدم»^(۱۴)؛ ولی در تفسیر جوامع الجامع نظر خود را بیان داشته و در ذیل آیه اول سوره نساء می نویسد، منظور از





با توجه به آنچه گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که نظریه اول (خلقت حوا از دنده آدم) دارای ضعف‌های عمده است:

- ۱- مطابق نظر تورات است و احتمال این که از اسرائیلیات باشد بسیار زیاد است؛
- ۲- روایات اهل بیت علیهم السلام به شدت آن را تکذیب کرده‌اند؛

- ۳- از لحاظ تجربی و مشاهده، پذیرفته نیست؛
- ۴- زن و مرد هر دو انسانند و طبعاً باید از یک چیز آفریده شده باشند (نه یکی از خاک و دیگری از موجودی زنده).



آیا خلقت زن شر است و عامل گناه

بعضی وجود زن را «شر» دانسته و او را عامل بدبختی و گرفتاری معرفی کرده و اعتقاد دارند زن عنصر گناه است. متأسفانه این مسأله در ادبیات و تاریخ جهان نیز تأثیر نامطلوبی گذارده است. در تاریخ نیز از زنان برجسته کم‌تر نام و نشانی یافت می‌شود و این در حالی است که بسیار زیاد به نام و ویژگی‌های غلامانی برمی‌خوریم که وسیله عیش و نوش و تفریح سالم و ناسالم پادشاهان را فراهم می‌آورده‌اند (و چه بسا از آن‌ها به نیکی یاد شده است). همواره از زن به عنوان موجودی که عامل گناه است سخن به میان آمده و حتی بعضی از شعرا آن چنان در هجو زنان شعر سروده‌اند که گمان می‌رود هیچ زن نیکی در تاریخ وجود نداشته است.

برخی را اعتقاد بر این است که زن شیطان کوچک است، مرد در ذات خود مبرا از گناه بوده و زن وی را به گناه می‌کشاند. به دلیل پای بند بودن به چنین اعتقادی است که بسیاری از

می‌دارد که: «خدا آدم را آفرید و سپس همسرش را از باقیمانده گل او خلق کرد»^(۲۰) و این جمله که می‌گوید همسر آدم از او آفریده شد، بعضی مفسرین از این تعبیر چنین فهمیده‌اند که همسر آدم (حوا) از بدن آدم آفریده شده و پاره‌ای از روایات غیر معتبر را که می‌گوید حوا از یکی از دنده‌های آدم آفریده شده، شاهد بر آن گرفته‌اند... این سخن بی‌اساس است و از بعضی روایات اسرائیلی گرفته شده و هماهنگ با مطالبی است که در فصل دوم از سفر تکوین تورات تحریف شده آمده است. و از این گذشته بر خلاف شاهد و حس می‌باشد؛ زیرا طبق این نظر که حوا از یکی از دنده‌های آدم آفریده شده، باید مردان در طرف چپ، یک دنده کم‌تر داشته باشند در حالی که می‌دانیم هیچ تفاوتی میان تعداد دنده‌های مرد و زن وجود ندارد؛ و این تفاوت یک افسانه بیش نیست. ولی با توجه به سایر آیات قرآن، هرگونه ابهامی از تفسیر این آیه برداشته می‌شود و معلوم می‌شود منظور از آن این است که خداوند همسر او را از جنس او آفرید: «... جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا»؛ خداوند همسران شما را از جنس شما قرار داد (نه از اعضای بدن شما). و طبق روایتی که از امام باقر علیهما السلام در تفسیر «عیاشی» نقل شده است، آفریده شدن حوا از یکی از دنده‌های آدم شدیداً تکذیب شده و تصریح شده که حوا از باقیمانده گل آدم آفریده شده است.»^(۲۱)

بعضی دیگر از تفاسیر - مانند تفسیر برهان - فقط به جمع‌آوری نظریات و احادیث پرداخته و خود نظر مستقلی را ارائه نداده‌اند.



آیین‌ها کناره‌گیری از زن را توصیه می‌کنند.

برای ریشه‌یابی این مسأله، باید دید که این تفکر از کجا نشأت گرفته است؟ عوامل گوناگونی موجب به وجود آمدن این تفکر شده است؛ از جمله: بعضی - همان‌طور که عنوان شد - خلقت زن را از دندهٔ چپ مرد می‌دانند و او را موجودی ناقص می‌شمارند. و به همین دلیل، او را موجودی کجرو و شرور خوانده‌اند: زن از پهلوی چپ شد آفریده

کس از چپ راستی هرگز ندیده عامل دیگر این است که می‌گویند، آدم اول که فریب شیطان را خورد و از بهشت بیرون رانده شد از طریق زن بود؛ «زن بود افسون‌گری، ایمان ربای» یعنی شیطان حوا را فریفت و حوا آدم را. این مطلب در بعضی کتب تاریخی نیز به چشم می‌خورد و از جمله تاریخ طبری: «گفت [پروردگار]: ای آدم از کجا فریب خوردی؟ گفت: از حوا پروردگار من!» (۲۲)

برای بررسی این عوامل بهتر است نظر قرآن و روایات را جویا شویم تا بتوانیم پاسخ صحیح را به دست آوریم.

شهید مطهری رحمته الله در این مورد می‌فرمایند: «قرآن داستان بهشت آدم را مطرح کرده ولی هرگز نگفته که شیطان یا مار حوا را فریفت و حوا آدم را، قرآن نه حوا را به عنوان مسؤول اصلی معرفی می‌کند و نه او را از حساب خارج می‌کند. قرآن می‌گوید به آدم گفتیم خودت و همسرت در بهشت سکنی گزینید و از میوه‌های آن بخورید، قرآن آنجا که پای وسوسه شیطانی رابه میان می‌کشد ضمیرها رابه شکل «تثنيه» می‌آورد، می‌گوید: «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ»؛ شیطان آن دو را وسوسه کرد.

«قَدْ لَاهُمَا بِغُرُورٍ»؛ شیطان آن دو را به فریب راه‌نمایی کرد. «وَقَاسَمَهُمَا أَنِّي لَكُمَا مِنَ النَّاصِحِينَ»؛ شیطان در برابر هر دو سوگند یاد کرد که جز خیر آن‌ها را نمی‌خواهد.» (۲۳)

هم‌چنین در روایات ما، زنان منشأ خیر و برکت‌اند. از جمله از امام صادق علیه السلام روایت است که «اکثر الخیر فی النساء» (و چگونه ممکن است خیر و شر در یک‌جا جمع شوند؟) به این ترتیب، قرآن و روایات با این فکر که از زمان گذشته وجود داشته و تا حال هم آثاری از آن باقی است، سخت به مبارزه می‌پردازند و جنس زن را از این اتهام کاملاً مبرا می‌دانند. و امام عزیزمان هم چه خوب فرموده‌اند: «خدمت مردها هم، بسیارش مرهون خدمت زن‌هاست.» (۲۴) ادامه دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱- طه: ۵۵، از آن آفریدیمتان و در آن برگزیدیمتان و از آن بیرون آوردیم بار دیگر.

۲- مؤمن: ۶۷، اوست خدایی که شما را از خاک بیافرید و سپس از قطره آب نطفه و آنگاه از خون بسته علقه پس شما را از رحم مادر طفلی بیرون آورد تا آن‌که به رشد برسید و باز پیری سالخورده می‌شوید و برخی از شما از پیری فوت کنید.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵

۴ و ۵- علی اکبر علویقی، زن در آینه تاریخ، ص ۱۰

۶- علی اکبر علویقی، پیشین، ص ۳۷

۷- تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۸۰

۸- علی اکبر علویقی، پیشین، ص ۳۳

۹- زن از دیدگاه اسلام، انتشارات دارالتبلیغ قم، ص ۱۸

۱۰- علی اکبر علویقی، پیشین، ص ۱۴

۱۱- ترجمه تاریخ طبری، ج ۱، ص ۶۳

۱۲- تفسیر قرآن العظیم، ذیل آیه ۱ نساء

۱۳- از جمله تفسیر روح البیان، ص ۱۵۹ و...

۱۴- مجمع البیان، ص ۳-۴، ص ۶

۱۵ و ۱۶- جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۳۳

۱۷- تفسیر شبر، ذیل آیه نساء

۱۸ و ۱۹- ترجمه المیزان، ج ۴، آیه ۱ نساء

۲۰- تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۸

۲۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۴۵ / تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، ص ۶۹

۲۲- ترجمه تاریخ طبری، ج ۱، ص ۶۹

۲۴- کلمات قصار، مؤسسه نشر آثار امام، ص ۲۰۸

